

فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا

دوره اول، شماره یکم، پیاپی ۱، بهار ۱۳۹۹

تحلیل نقش موقوفه‌های زهان در توسعه پایدار روستایی

علی اکبر عباسی *

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

DOI: [10.22077/vssd.2020.3397.1001](https://doi.org/10.22077/vssd.2020.3397.1001)

تاریخ دریافت:

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:

۱۹ مرداد ۱۳۹۹

صفحات: ۵۰-۳۹



کلید واژگان:

توسعه پایدار

روستایی، رشد

فرهنگی، موقوفه،

روستای زهان.

چکیده

روستاشهر زهان در منطقه قاینات دست کم از عهد صفوی به بعد موقوفه‌های مهمی داشته است که در توسعه روستا به لحاظ فرهنگی، آموزشی و رواج برخی هنجارهای اجتماعی موثر بوده است. توجه به نسخ کتب مورد توجه مدرسه علمیه، وقف کتاب بر آن مدرسه، ساخت و تعمیر مسجد جامع و مساجد محلات مختلف، وقف بر مخارج بناهای عام‌المنفعه نظیر حمام و غسل‌خانه و نیز توجه به فقرا و غرباء همگی حکایت از جایگاه شایسته موقوفه‌ها در توسعه روستایی زهان دارد. نکات اجتماعی مطرح شده در وقف‌نامه‌ها نیز شرایط مطلوب زهان در آن عهد و توسعه آن به نسبت روستا بودنش را نشان می‌دهد. تاکید بر برخی واژگان علمی و واحدهای اندازه‌گیری، نگارش برخی موقوفه‌ها به دو زبان عربی و فارسی استفاده از آیات، روایات، اشعار متناسب با متن هم رشد اجتماعی و مذهبی زهان در اعصار صفوی تا قاجار را نمایان می‌سازد. با این که بخش زهان ۱۱۳ موقوفه ثبت شده دارد، موقوفه‌های مدنظر در این مقاله مربوط به مرکز بخش می‌شود و هم این که تنها موقوفه‌هایی که زمان وقفش مربوط به قبل از تغییر جایگاه سیاسی زهان بوده، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- مقدمه

وقف سنت حسنه‌ای است که در بین تمام ملل جهان طرفدارانی دارد. امروزه بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ جهان که در عرصه علمی و نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها و اختراعات بشری جایگاه شایسته‌ای دارند از طریق موقوفات و درآمدهای آن اداره می‌شوند. سنت وقف برای توسعه علوم، رشد فرهنگی جامعه، دستگیری از مستمندان، توجه به بیماران و بسیاری موارد دیگر مورد توجه متنفذان و ثروتمندان نوع‌دوست و حتی افراد عادی بشردوست بوده است. حس دینی و مذهبی واقفان هم در کشورهای اسلامی و بخصوص در ایران قابل توجه است. وقف برای بخشش و آمرزش الهی و زندگی راحت‌تر پس از مرگ هم مدنظر واقفان بوده است. در بحث از اوقاف زهان و انگیزه‌های واقفان زهانی این مورد اخیر جلوه بارز دارد. معمولاً واقفان زهانی دارای انگیزه دینی و مذهبی بالا بوده‌اند و برای دستگیری از مستمندان و فقرا و در راه‌ماندگان وقف‌هایی را انجام داده‌اند. توجه به مسجد، مدرسه علمیه و تا حدی حمام و کاروانسرا هم مدنظر واقفان زهانی بوده است. وقف برای عزاداری اباعبدالله الحسین هم مورد توجه بسیاری از واقفان زهانی بوده است. ضمن این که عمدتاً واقفان تاکید دارند درآمد وقف باید در روستای زهان هزینه شود. تاکید بر مسجد زهان، طلبه زهان، فقرای زهان، غریبه‌هایی که در زهان باشند و یا عزاداران زهانی^۱ و موارد مشابه این چینی در متن وقفنامه‌ها به وفور یافت می‌شود. نکته قابل توجه این که بنا به نقل رئیس اداره اوقاف شهرستان زیرکوه، بخش زهان ۱۱۳ موقوفه دارد. در این مقاله نقش و جایگاه موقوفه‌های قدیمی روستای زهان در توسعه آموزش، عزاداری و امور عام المنفعه عمومی و دیگر موضوعات اجتماعی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

۲- سابقه وقف در روستای زهان

با وجود کوچک بودن زهان و روستا^۲ بودنش سنت حسنه وقف از دیرباز در آن دیار رایج بوده است. متن وقف نامه‌های تاریخ داری که باقی‌مانده است مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی می‌شود. این دوره‌های تاریخی شامل عهد صفوی، افشار، زند، قاجار و پهلوی و دوران جمهوری اسلامی می‌شود. در دوره ناصرالدین شاه قاجار که امور موقوفات قدیمی زهان مخدوش بوده است عالمی بزرگ^۳ برای سر و سامان دادن به اوقاف مزبور راهی زهان شده و خلاصه‌ی بسیاری از موقوفه‌ها را مجدد تنظیم نموده و بر روی یک طومار از کاغذ دست ساز نوشته شده است. در طومار تنظیم شده‌ی عهد ناصر به تاریخ وقفنامه‌ها و حواشی مطرح شده در آن و القاب و عناوین توجه نشده و یا کمتر پرداخته شده است و بیشتر بر مشخص کردن موقوفه و جایگاه جغرافیایی آن و میزان درآمدهای موقوفه‌ها و موارد مصرف آن تاکید شده است در این وقفنامه از متولیان موقوفه با نام

۱ البته دست کم در یک مورد واقف تاکید دارد که گرده‌های نان در بین عزاداران اباعبدالله در مسجد پایهان توزیع شود.

۲ زهان تا سال ۱۳۸۳ روستا بوده و پس از آن شهر شده است.

۳ با این که سه خط القاب و عناوین این عالم در متن وقفنامه‌ی سرو سامان داده توسط وی آمده از ذکر دقیق کنیه و اسم و شهرت او و نام پدرش خودداری شده است! اسم او و شهرتش همان کنیه امام علی(ع) بوده است و طبیعتاً باید ابوالحسن، ابوتراب و یا ابوالحسین بوده باشد و احتمال اولی بیشتر است. در ابتدای وقفنامه مذکور آمده است؛ «...مدار نور حدقه مصطفویه و نور حدیقه مرتضویه فخرالعلماء و المجتهدین و سلطان الفقهاء المتبحرین حجه الاسلام و المسلمین سخط الله علی المناقین و رحمة علی المومنین مولانا الاجل الاعظم المسمی به کنیه جده امیرالمومنین مدظله العالی، عازم قریه مبارکه زهان گردیده ...» رک؛ قصابیان، محمد رضا؛ وقفنامه مدرسه علمیه زهان، مجموعه رسائل فارسی (دفتر هفتم)، ص ۲۰۵ این القاب، عناوین و عبارت‌پردازی‌ها برای پادشاهان، بزرگان، علما قبل از مشروطه خیلی بیشتر مرسوم بوده است.

مستاجر یاد شده است. اما برخی از وقف‌نامه‌های قدیمی که اصل آن به طور کامل باقی مانده دارای اطلاعات زیادی درباره مردم زهان و شرایط فرهنگی آنان در زمان وقف است که در این مختصر بیشتر از آنها استفاده کرده‌ام. قدیمی‌ترین متن وقف‌نامه باقی مانده تاریخ دار مربوط به دوران حکومت صفویه (حک: از ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ ه.ق) و اواسط دوران حکومت سی ساله شاه سلطان حسین صفوی (حک: از ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ه.ق) و حدود ۳۲۱ سال پیش می‌شود. اصل این وقف‌نامه تحت عنوان «وقفنامه محمد سلطان»^۱ در اداره اوقاف قاین است. در متن این وقف‌نامه از تاریخ هفدهم رمضان ۱۱۲۰ ه.ق یاد شده است. این وقف‌نامه یکی از دو وقف‌نامه موجود از عهد صفوی در زهان هست و بنا به هر دلیلی این دو وقف‌نامه از آسیب مصون مانده است. هر چند آسیاب آبی کوچه لآخ که یکی از این دو وقف‌نامه مربوط به آن است مثل سایر آسیاب‌هایی آبی زهان حدود چهل سالی است که از کار افتاده و امروزه با توسعه راهها و راه اندازی آسیاب‌های معروف به آسیاب آتشی شرایط برای کار آسیاب‌های آبی به صرفه نیست. وقف‌نامه‌ای دیگر تحت عنوان وقف‌نامه «حاج میر قاسم عرب»^۲ آن هم مربوط به عهد شاه سلطان حسین صفوی و تاریخ غره شعبان سال ۱۱۳۲ ه.ق می‌باشد. شاید وقف‌نامه‌های بیشتری مربوط به قبل از هجوم افغان‌ها و سقوط صفویان در سال ۱۱۳۵ ه.ق وجود داشته و با حملات آنان نابود شده است. بسیاری از اسناد و موقوفه‌های موجود در اصفهان به دستور ملازعفران یکی از اطرافیان محمود افغان به زاینده‌رود ریخته شد (نصیری، ۱۳۷۳: ۲۰) و طبیعی بوده است که در سایر نقاط کشور هم اتفاقات مشابهی رخ داده باشد.

یک وقف‌نامه از وقف‌نامه‌های زهان تحت عنوان «وقفنامه کربلایی محمد علی»^۳ به لحاظ زمانی مربوط به دوران فرمانروایی شاهرخ نوه نایب‌نای نادر بر خراسان می‌شود. این وقف‌نامه در بیستم ربیع الثانی ۱۱۹۷ ه.ق نوشته شده است. غیر از این وقف‌نامه، وقف‌نامه‌هایی مربوط به دوره افشار و زند می‌شود که عمدتاً درباره وقف کتاب بر قریه زهان و یا وقف کتاب بر مدرسه علمیه زهان می‌باشد. چنان که یک نسخه خطی از کتاب وسائل الشریعه در سال ۱۱۴۳ ه.ق مصادف با دوران تهماسب دوم صفوی و تهماسب قلی افشار [نادرشاه] بر مدرسه علمیه زهان وقف شده است (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۹۳). باید توجه داشت که در آن سالها اگرچه تهماسب دوم به اسم پادشاه ایران بود ولی عملاً قدرت در دست نادر بود و تقریباً قدرت صفویان در سال ۱۱۳۵ ه.ق سقوط کرده بود. در سال ۱۱۷۴ ه.ق که مصادف با دوران حکومت کریم خان زند است نسخه‌ای از کتاب مفاتیح الشرایع و نیز کتاب تذکره الفقهاء و حیاة الحیوان بر مدرسه زهان وقف شده است. نعمت الله زهانی در تاریخ ۱۱۸۴ ه.ق نسخه‌ای دیگر را مفاتیح الشرایع را وقف مدرسه زهان کرده است. در همان دوران و به سال ۱۱۹۳ ه.ق هم نسخه‌ای خطی از کتاب زبده الاصول بر قریه زهان وقف شده است (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۹۴).

به لحاظ تاریخی بیشترین وقف‌نامه‌های زهان مربوط به دوره قاجار می‌شود. مخصوصاً از دوران سی و نه ساله فتحعلیشاه و دوره پنجاه ساله ناصرالدین شاه وقف‌نامه‌های زیادی باقیمانده هست. وقف‌نامه‌ای به نام «وقفنامه میرعلی تقی»^۴ مربوط به اوایل حکومت فتحعلیشاه (حک: از ۱۲۱۱ تا ۱۲۵۰ ه.ق) وجود دارد که در سال ۱۲۱۴ ه.ق نگاشته شده است. سی سال بعد از

۱ شماره کلاسه این وقف‌نامه در اداره اوقاف قاین (م - ۱۳۳) است.

۲ شماره کلاسه این وقف‌نامه هم در اداره اوقاف قاین (م - ۱۳۳) است.

۳ شماره کلاسه این وقف‌نامه در اوقاف قاین (م - ۱۶۱) است.

۴ شماره کلاسه این وقف‌نامه در اوقاف قاین (م - ۱۵۲) است.

آن و در تاریخ ۱۲۴۴ ه. ق هم «وقفنامه میرزا تقی خان»^۱ نوشته شده است. سومین وقفنامه مهم زهان در دوره فتحعلیشاه به نام «وقفنامه آقا میر سید رجب الحسینی»^۲ و به لحاظ زمانی مربوط به سال ۱۲۴۶ ه. ق می‌شود. سه وقفنامه مربوط به دوره ناصرالدین شاه (حک؛ ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۴ ه. ق) وجود دارد که در سه مقطع زمانی متفاوت وقف صورت گرفته است. وقفنامه‌ای تحت عنوان «وقفنامه رضا ابن حسن خان»^۳ مربوط به سال ۱۲۸۱ ه. ق [یا شاید ۱۲۱۸ ه. ق]^۴ بر سنگ‌نبشته‌ای در مسجد جامع بوده است و وقفنامه‌ای دیگر به نام «وقفنامه زوجه ملایوسف»^۵ بتاریخ جمادی الاولی ۱۲۸۶ ه. ق می‌باشد. «وقفنامه حاجی محمدنصیر»^۶ در تاریخ جمادی الاول سال ۱۲۸۸ ه. ق نوشته شده است. در سال ۱۳۰۶ ه. ق یکی از علما که به قول نویسنده وقفنامه «به کنیه جده امیرالمومنین مدظله العالی» (قصایبان، ۱۳۸۵: ۲۰۵) بوده «عازم قریه مبارکه زهان گردیده، جهت تمشیت موقوفات محل مزبور و توابع آن...» (قصایبان، ۱۳۸۵: ۲۰۵) این عالم از ۷۳ مورد وقف قدیمی و تعدادی وقف جدید یاد کرده و همه را در وقفنامه‌ای تحت عنوان وقفنامه مدرسه علمیه زهان گردآورده است. یک وقفنامه تحت عنوان «وقفنامه میرزا محمد ولی»^۷ مربوط به دوره حکومت مظفرالدین شاه (حک؛ ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۴ ه. ق) به سال ۱۳۲۱ ه. ق تدوین شده است. در دوره احمدشاه (حک؛ ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۴) و به سال ۱۳۳۴ ه. ق وقفنامه‌ای تحت عنوان «وقفنامه حاج میرزا محمد»^۸ تنظیم شده است.

۳_ نوع وقف در موقوفه‌های زهان

آنچه که واقف وقف می‌کند باید درآمدزا باشد تا با درآمد آن و یا با نفعی که می‌رساند در طول سالیان به مصرف آنچه مدنظر واقف بوده و بر آن وقف شده برسد. در زهان معمولاً زمینها و املاک کشاورزی و یا مقداری از آب چشمه‌های آن وقف می‌شده است و در متن وقفنامه به زمین مدنظر و منطقه‌ای که در آن واقع شده و یا مقدار آب و نام چشمه‌ای که آب متعلق به آن بوده، اشاره شده است. اصطلاحات محلی مثل «فنجان آب»، «آب روزه»، «سرقه»، «طاقه» و «چاره» و «پای شیار» در متن برخی از وقفنامه‌ها به کار رفته است. واحد اندازه گیری زمین کشاورزی در متن وقفنامه‌ها واحد محلی «من» بوده است و واحد اندازه گیری آب چشمه‌ها فنجان بوده که هنوز هم بر همان اساس معاملات زمینهای کشاورزی و آبهای چشمه‌ها صورت می‌گیرد. در موارد زیادی نسخه‌های خطی، وقف شده که در دوره‌های گذشته ارزش اقتصادی بالایی داشته است این نسخه‌ها وقف مدرسه و یا قریه زهان می‌شده است و این موضوع توجه واقفان به امور فرهنگی و علمی را نیز نشان می‌دهد. در یک مورد از وقف یک درخت جوز [گردو]، در مواردی از درخت زردالو و درخت امرود [گلابی] یاد شده است. همچنین صحبت از وقف اشجار توت هم در یک وقفنامه مطرح شده است. در مواردی از وقف تاک‌های [انگور] زمین و یا باغ انگوری و

۱ شماره کلاسه این وقفنامه در اوقاف قاین (ت - ۲) است.

۲ شماره کلاسه این وقفنامه در اوقاف قاین (ر - ۱۱) است

۳ شماره کلاسه این وقفنامه در اوقاف قاین (ر - ۱۸) است

۴ اگر براساس ماده تاریخ «۱۲۱۸» ه. ق صحیح باشد مربوط به دوره فتحعلیشاه است نه مربوط به دوره ناصرالدین شاه.

۵ شماره کلاسه این وقفنامه در اوقاف قاین (ر - ۲۷) است

۶ شماره کلاسه این وقفنامه در اوقاف قاین (ح - ۵۸) است

۷ شماره کلاسه این وقفنامه در اوقاف قاین (م - ۷۲) است

۸ شماره کلاسه این وقفنامه در اوقاف قاین (م - ۶۶) است

همچنین در یک مورد در وقفنامه‌ای از وقف «اشجار سنجد» یاد شده است. در یک مورد هم منزل مسکونی واقف با ملحقات آن مثل فرش، قالی و سماور وقف شده تا حسینی‌ها باشد. عین کلمات واقف در این زمینه ذکر می‌شود: «...هکذا یک باب اطاق گچکاری فوقانی واقع در سرای قلعه مرحوم حاجی محمد میرزا که مسکن موصی [وصیت کننده] مرحوم است با فروش متعلقه اطاق از قالی و نم و یک دست اسباب چایخوری از سماور و فنجان را معظمه سابق الالقاب وقف مؤبد نمودند که اطاق مزبور حسینی‌ها باشد و در همانجا دهه مزبور را عزاداری می‌نموده باشند...».

۴_ انگیزه وقف در بین واقفین زهانی و تاثیر آن بر توسعه عمرانی و فرهنگی فضا

وقف در زهان برای امور مختلفی و با انگیزه‌ها و اهداف متعددی صورت می‌گرفته است. بیشتر از همه وقف برای مسجد و مدرسه علمیه بوده است. معمولاً نام مسجدی که مدنظر واقف بوده در متن وقفنامه ذکر شده است. بیشتر از همه نام مسجد جامع زهان، مسجد پایین ده و مسجد میر محمد سر کوچه حاجی سلیمان^۱ ذکر شده است. مسجد جناب مبادی الآداب آخوند ملاحسین معلم هم از دیگر مساجد ذکر شده در یک وقفنامه است. در وقفنامه حاجی محمد نصیر از وقف بر تعزیه در «مسجد محله اشان» یاد شده است بدون این که نام مسجد ذکر شود. واقفان در زهان برای امور متفاوتی اموال، آب و یا موارد درآمدزای دیگر را وقف کرده‌اند. مواردی که واقفان در وقفنامه بر آن تاکید داشته‌اند متعدد و متنوع شامل موارد گسترده و جالب توجه است. برخی از این موارد عبارتند از: مصارف بر امور خیر، وجوه بر، اعانت فقرا، فقرای ذی رحم، فقرای مومنین، بعضی از غربا [غریبه‌ها] که به زهان می‌آمده باشند و فقیر باشند خرج یومیه به ایشان می‌داده باشند، رد مظالم، برگزاری تعزیه، برای عزاداری، تهیه روغن چراغ مسجد، روغن چراغ حمام (در یکی از وقفنامه‌ها روشنایی حمام)، شکست و ریخت مسجد، کاروانسرا، غسلخانه، برای قراء سر قبر واقف و قبور والدین واقف، برای طلبه مدرسه علمیه زهان، برای پیشنماز مسجد زهان، برای امام جماعت، اعانت طلبه علوم، طلبه فقیر، طلبه مشغول تحصیل، جماعت مومنی که در قریه زهان به تحصیل مشغول باشند، در محافظت کتب سعی می‌نموده باشد^۲، تعمیر مسجد و حمام زهان، جهت نایب الزیاره هر ساله برای واقف زیارت کربلا و مشهد هر کدام که مقدور باشد، وقف اولاد، برای اطعام عزاداران، برای توزیع نان در بین عزاداران حسینی، جهت شربت و چای عزاداران، برای آب و آش جهت عزاداران حسینی در دهه اول محرم، برای حسینی‌ها، جهت خادم مسجد، فرش مسجد، برای زوار، فقرا و ضعفا که بسیار مضطر و لاملجاء باشند، جهت صوم و صلاه، طلب مغفرت برای واقف و والدین او. این موارد و یا مواردی مشابه با عبارات کمی متفاوت در متن وقفنامه‌ها ذکر شده است. در بخشی از متن وقفنامه کربلایی محمد علی مربوط به دوره افشاریه و زندیه واقف فرزندش ملا محمد را وصی خود برای کتابهایش - نام کتابها را ذکر کرده - قرار داده است. یک مورد هم واقف تاکید بر دادن افطاری در مراسم خاص داشته است؛ «...حاصل یک سهم را در یوم عید غدیر به جمعی از صائمین و غیرهم افطار می‌داده باشند و حاصل سهم دیگر را بعد از رحمت لیالی قدر جمیع روزه داران و ختم قرآن

۱ نام یکی از آبروزه های زهان آبروزه حاجی سلیمان است ولی در دوره معاصر قبل از زلزله کوچه‌ای با این نام در زهان قدیم وجود نداشت و احتمالاً پس از دوره واقف نام کوچه مذکور تغییر کرده و یا به تدریج آن کوچه نابود شده و از بین رفته است.

۲ یک مورد در متن وقفنامه واقف، بحث محافظت از کتب و استنساخ آن را مطرح کرده است و بنظر من وی به رشد فرهنگی اهمیت می‌داده و خودش هم از سطح فرهنگی بالایی برخوردار بوده است.

محمدی می‌نموده باشند...». در مجموع توجه واقفین به موضوعات متعدد جالب و از تمایلات و گرایش‌های درونی متفاوت آنان و دغدغه‌هایشان حکایت دارد.

۵- رویکرد محتوایی وقفنامه‌ها

در اکثر وقفنامه‌های زهان و معمولا در آغاز آن از عبارات قرآنی، احادیث نبوی و سخنان معصومین و یا حتی اشعار فارسی در تمجید از سنت پسندیده وقف یاد شده است. پرداختن به موارد مذکور را می‌توان نشأت گرفته از دیدگاه عقیدتی واقفان و دست کم برخی از انگیزه‌های آنان دانست. در وقفنامه محمد سلطان به آیه‌ای از قرآن در تمجید از وقف استناد شده است؛ «والباقیات و الصالحات خیر عند ربک ثوابا»^۱ در بخشی دیگر از همان وقفنامه به آیه‌ای دیگر هم اشاره شده است؛ «یوم لا ینفع مال ولا بنون»^۲. در ابتدای وقفنامه کربلایی محمد علی هم از آیه کریمه «اینما تکنونوا یدرکم الموت ولو کنتم فی بروج مشیده...»^۳ استفاده شده است. در وقفنامه میرزا محمد ولی به این حدیث نبوی اشارتی رفته است که؛ «قال النبی (ص) لاصحابه اندرون من الیکم قیل لا یا رسول الله بل الله و رسوله اعلم فقال صلوات الله علیهم اکثرکم للموت ذکرا و احسنکم له استعداداً فقالوا و ما علامه ذلک قال علیه السلام التجافی عن دار الغرور والانابه الی رب الغفور و التهیبه لیوم النشور و التزور لسکنی القبور». در عبارات آغازین وقفنامه آقامیر سید رجب الحسینی آمده است؛ «...الحمد لله الذی وفق المومنین و المومنات بالطاعات و الخیرات...» در وقفنامه میرزا تقی خان از تصمیم وقف توسط وی تحت عنوان «...توفیق ربانی و تائید الهی یاد شده است...» در وقفنامه زوجه مالایوسف آمده است؛ «هر ذی حیاتی را شربت ناگوار مرگ چشیدنی است و سفر به دیار آخرت در پیش و ناچار است او را زاد و توشه که در این سفر به کار آید لذا توفیق شامل حال سعادت نشان...». در وقفنامه محمد سلطان با عبارات فارسی و عربی از سنت وقف تمجید شده است؛ «وقفک الله تعالی بالتوفیقات الابدیه کسی که نیک یابد به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای...». در مواردی هم بر عبارات و اشعار فارسی در این زمینه تاکید شده است چنان که عبارت «برگ عیش به گور فرست» در وقفنامه حاجی محمد نصیر ذکر شده است. در وقفنامه میرزا محمد ولی ضمن آوردن احادیثی از علی بن ابیطالب (ع) درباره فناپذیر بودن دنیا به شعری فارسی هم درباره انجام اعمال خیر پرداخته شده است؛

برگ سبزی به گور خویش فرست کس نیارد زپس، تو پیش فرست

آن چه خوردی مال مار و آن چه بردی مال مور و آن چه ماند حق وارث و آن چه دادی مال توست

از رباط تن چو بگذشتی دگر معمور نیست زاد راهی بر نمی‌داری از این منزل چرا؟^۴

همیشه نگرانی از این که نسل‌های پس از دوره واقف افرادی از موقوفه سوء استفاده بکنند یا به مفاد عهدنامه عمل نکنند یا کسانی به نفع خود مصادره کنند و یا این که آن را به فروش برسانند وجود داشته است یا این که ورثه خودسرانه آن را تصاحب کنند. واقفان برای جلوگیری از اقدام متخلفین و سودجویان عبارات تندی را نسبت به آنان در متن وقفنامه مطرح

۱ سوره کهف، آیه ۴۶ و سوره مریم، آیه ۷۶

۲ سوره شعراء، آیه ۸۸

۳ سوره نساء، آیه ۷۸

۴ هر کدام از این ابیات جداگانه در متن وقفنامه آمده و ظاهرا از شعری جدا اخذ شده است.

می‌کنند. در وقفنامه میرزا تقی خان بخشی از آیه ۱۸۱ سوره بقره در این راستا در شده است؛ «فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونہ واللہ سمیع علیم». در وقفنامه حاجی محمد نصیر ضمن آوردن بخشی از همان آیه، متخلف نفرین هم شده است؛ «تخلف کننده ملعون و عاصی خواهد بود. فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه...» در وقفنامه حاج میرقاسم عرب هم به آیه مزبور استشهاد شده است. در وقف نامه آقا میر سید رجب الحسینی آمده است؛ «...و هر کس به خلاف ما هو المسطور منظور دارد ملوم^۱ و ملعون و مغضوب خدا و رسول خواهد بود». در وقفنامه زوجه ملایوسف به یک عبارت بسنده شده است؛ «...و تخلف کننده ملعون است». در وقفنامه میرزا محمد ولی در این راستا عبارت؛ «تخلف کننده در مضامین مندرجه این ورقه موجب لعن خالق و مستوجب توبیخ و نفرین خلائق خواهد شد» ذکر شده است. در وقفنامه میرعلی تقی در باره تخلف از مفاد وقفنامه آمده است؛ «... به قرار نوشته منظور داشته خلاف نمایند و هر کس در این مضمون (دو کلمه ناخوانا) یا خدای نخواسته غلب^۲ نمایند مورد غضب حضرت قهار گردد...». در یک مورد هم جمله واقف در تهدید تخلف کنندگان افتاده و خوانا نیست و معلوم نیست عمدی و یا سهوی از بین رفته است.

زبان عمده وقفنامه‌های باقی مانده به زبان فارسی است. در متن برخی از وقفنامه‌ها آمده است که صیغه وقف به عربی و فارسی جاری شد. اصل آیات قرآنی و احادیث نبوی بیشتر بدون ترجمه فارسی در متن وقفنامه‌ها گنجانده شده است. به عنوان نمونه در بحث‌های مقدماتی یکی از وقفنامه‌ها آمده است؛ «... کما قال الله تعالی کل نفس ذائقة الموت...» در متن وقفنامه‌های فارسی هم عبارات و اصطلاحات عربی کم نیست. واژگانی مثل نهج، صبیبه، السراء و الضراء، الحمد و التصلیه، لا بیاع و لا یوهب، طبخ در متن برخی وقفنامه‌ها دیده می‌شود. در یکی از وقفنامه‌ها نیز آمده است؛ «صیغه وقف کما قرر فی الشرع جاری شد» برخی عبارات در بین بسیاری از وقفنامه‌ها مشترک هست چنانکه عبارت «وقف موبد و حبس مخلد» فراوان در وقفنامه‌ها به کار رفته است. در مواردی اصطلاحات فارسی و عربی با هم ادغام شده؛ «... التهیه لیوم النشور...» یا عبارت «معلى مرتبت و نیکو طینت» و در جایی دیگر؛ «...کل ما یتعلق بها القلیل و الكثير داخل فیها و خارجاً عنها و صیغه وقف را جاری ساخته...». ناگفته پیداست که نوشتن این گونه کلمات فارسی را با تنوین عربی به لحاظ ادبی ایراد دارد. ضمن این که نثر فارسی بیشتر وقفنامه‌ها به سبک نثر ادبی نویسندگان ایران قبل از عهد مشروطه که الفاظ و اصطلاحات مصنوع را کم و بیش در نثرشان به کار می‌بردند و آن را مایه فخر هم می‌دانستند و تا حدودی از ساده نویسی پرهیز می‌کردند، دیده می‌شود. مثلاً در متن وقفنامه میرزا تقی خان آمده است «...متعلق به اولاد امجد ایشان...» در متن وقفنامه آقا میر سید رجب الحسینی آمده است؛ «...غرض از تحریر و تسطیر این کلمات واضح الدلالات...» در مواردی تلاش شده است تا نثر فارسی وقفنامه مسجع شود چنانکه در وقفنامه آقا میر رجب الحسینی آمده است «...موافق قاعده و ضابطه به جهت خود فراخور حصه و رتبه...» و یا در وقفنامه حاج میرزا محمد آمده است؛ «...حضرت خامس آل کساء جناب سیدالشهداء...» و در جملات بعدی همان وقفنامه آمده است؛ «...عزای گلگون قبای آل عبا و خامس آل کسا...» و یا در جملاتی عربی و فارسی اصرار بر مسجع بودن جملات از سوی نویسندگان به چشم می‌آید. وقتی می‌خواهد از وقف تمام تجهیزات آسیاب آبی سخن کند، می‌نویسد؛ «... با

۱ مورد ملامت و سرزنش
۲ به معنای تغییر، دگرگونی و تقلب

اسباب و آلات حدیده و حجریه و خشبیه...» یا در وقفنامه ای آمده است؛ «... خرج آب و آش تعزیه داری...» واضح است که ذکر واژه آب برای موزون شدن کلام با آش در متن ذکر شده است. در مواردی هم نویسندگان وقفنامه‌ها از صنایع ادبی بهره برده و سعی نموده‌اند، نثرشان را زیباتر کنند. در یکی از وقفنامه‌ها آمده است «...قبل از آن که به چنگ پلنگ اجل^۱ گرفتار شود...» عبارت «کوسه یکتای غواص بحر» در وقفنامه محمد سلطان هم مثل «پلنگ اجل» در وقفنامه میرزا محمد ولی اصراری است که نویسنده در بکارگیری صنایع لفظی و ادبی داشته است؛ «...تحیات زاکیات سلام و قدوه امام را کوسه یکتای غواص بحر کمالات اصف دارالملک سعادت علی اعلی راست...». غیر از اضافه‌های فارسی، اضافه‌های عربی هم در متن کم و بیش هست چنانکه «نستجته العنکبوت» = تار عنکبوت در یک مورد در متن وقفنامه ذکر شده است. عبارت مسکن موصی = مسکن وصیت کننده هم در یک وقفنامه ذکر شده است. بعضی عبارات هم شاید برای مخاطب واضح نباشد و به توضیح و تفسیر نیاز داشته باشد مثلاً در متن یکی از وقفنامه‌ها آمده است؛ «... هفت فنجان مجری المیاه از جمیع عیون قریه زهان...» منظور از همه چشمه‌های زهان آبی است که امروزه در محاوره محلی به آب پایین و بالا^۲ معروف است و مقدار آب آن و قیمت هر فنجان یا تاس آن بیشتر است. برای این که مطالب مدنظر واقف نسل اندر نسل برای آیندگان باقی بماند معمولاً از واژه «مخفی نماند»^۳ و یا «مخفی نماناد» در متن وقفنامه‌ها یاد شده است و اصطلاح مزبور دست کم هفت بار در وقفنامه‌های زهان به کار رفته است ضمن این که این اصطلاح در ابتدای سنگ نبشته‌ای در مسجد جامع پایهان مربوط به عهد محمد شاه قاجار هم ذکر شده است.^۴

۶- طبقه و پایگاه اجتماعی واقفان، جنس و سن آنان

معمولاً واقفان شرایط مالی خوبی داشته‌اند و از طبقات نسبتاً مرفه زهان بوده‌اند. وقتی واقف از وقف قالی خود سخن می‌کند حکایت از شرایط مالی مساعدش دارد. نباید فراموش کرد در آن روزگار، فرش‌های ساده و مویی و پلاس‌های عادی و نه تزئینی مورد استفاده عموم بوده است. برخی از واقفان ضمن دلیل وقف نوشته‌اند که سمت و منصب حکومتی گرفته‌اند و دلیل وقف هم همان اخذ منصب و مهاجرت از زهان بوده است و این هم خود دلیلی بر این موضوع است که بیشتر واقفان از خواص بوده‌اند. در بین واقفین حاجی و کربلایی هم ملاحظه می‌شوند. حاجی و کربلایی بودن ضمن این که حس مذهبی بالایی واقفین زهانی را نشان می‌دهد از وضع مناسب مالی دست کم در حد بالاتر از متوسط آنان هم حکایت دارد. در آن دوره‌ها سفرهای مذهبی پرهزینه و پرحاشیه بوده است. عموم واقفین مرد بوده‌اند ولی در بین آنان کم و بیش واقف زن هم

۱ غیر از «پلنگ اجل»، از «مال مار» و هم از «مال مور» یاد شده است که در بحث از اشعار فارسی ذکر شد.

۲ در شعر علی ضیایی شاعر معاصر زهان آمده است؛

تو آب «پایینو بالا» را ندیدی وگرنه چند تاسی می‌خریدی

در بخش نظام تقسیم آب زهان در همین کتاب شعر کامل علی ضیایی را درباره ویژگیها و نامهای آبروزه‌های زهان آورده شده است. ر.ک، زهان، دیار یاقوت سرخ، صص ۱۸۶-۱۸۷

۳ در ابتدا و شروع متن برخی از معامله‌نامه‌های زهانی در قدیم واژه «بفروخت» به کار می‌رفت تا تاکید بر فروش و انجام معامله بیشتر حس شود.

۴ برای اطلاع از مفاد سنگ‌نبشته مذکور به صفحات بخش زلزله‌های رخ داده در زهان ر.ک؛ زهان دیار یاقوت سرخ، صص ۴۱۵-۴۱۷

ملاحظه می‌شود چنان که وقفنامه‌ای تحت عنوان «زوجه ملایوسف» باقی است که در سال ۱۲۸۶ ه.ق واقف، زمین و آب و درختانی را وقف کرده است.

واقفی دیگر به نام خیرالنساء بنت حاجی محمد عرب مهدی زهانی و زوجه کربلایی حسن زهانی است که نسخه‌ای از عین الحیات اثر علامه محمدباقر مجلسی را در سال ۱۲۳۹ ه.ق بر مدرسه علمیه زهان وقف کرده است (جعفری اشکوری، ۱۳۸۳: ۱۹). اسم کوچک زن‌ها در برخی وقفنامه‌ها نیست و آنان به نام زوجه + نام شوهر واقف و یا بنت + نام پدر واقف نامیده شده‌اند. اصطلاح اجتماعی به کار رفته برای واقفان در متن وقفنامه‌ها متفاوت و شامل افرادی از همه گروه‌ها و قشرها می‌شده است چنانکه در بین آنان میرزا، میر، سید، ملا، خان، حاجی، کربلایی، بیک وجود دارند. درباره سن واقفین در متن وقفنامه‌ها اشاره‌ای نشده تنها در یک وقفنامه سن واقف با افتخار یاد شده است؛ در وقفنامه میرزا محمد ولی آمده است: «... در حین شباب و ابتداء جوانی وقتی که از سن شریفش هیجده سال گذشته بود...» تعریف از واقف جوان و تاکید بر این که به سنی رسیده که بر اساس قانون و شرع می‌توانسته است درباره مایملک خود تصمیم بگیرد؛ «... در عین صحت و کمال اقتدار بالطوع والرغبه وصیت نمودند که از املاک مخلفه اش...».

۷- متولیان موقوفه‌ها

یکی از نکات مهم در وقفنامه‌های زهان سخن از متولیان موقوفه‌هاست. واقف برای هر موقوفه متولی تعیین می‌کرده و به این انتخابش در متن وقفنامه هم موکدا اشاره می‌کرده است. معمولاً اشخاص مورد اعتماد واقف بدین سمت برگزیده می‌شدند. وقفنامه‌های بزرگ چند متولی داشته و در متن وقفنامه به متولی‌ها به صورت پراکنده و نه یکجا اشاره شده است. در برخی از وقفنامه‌ها این مسئولیت مهم از طرف واقف به روحانی معروف زهان واگذار شده است. در وقفنامه حاجی محمد نصیر بخشی از تولیت با شرایطی خاص به امام، عالم و اورع قریه زهان داده شده است. صحبت از امام جماعت و مدرس مدرسه زهان هم در بعضی وقفنامه‌ها برای تولیت موقوفه مطرح شده است. برخی هم فرزندان خود و یا برخی از بستگان‌شان را متولی قرار داده‌اند. در متن یک وقفنامه آمده است؛ «... تولیتش تعلق به فرزندی‌شان داشته باشد به نهج مذکور...». در وقفنامه زوجه ملا یوسف وی همشیرزاده خود را متولی قرار داده است.^۱ در وقفنامه کربلایی محمد علی مربوط به عهد افشار و زند، به تعبیر واقف متولی با «...عالی حضرت شمس الانامی برادر صلی موصی [وصیت کننده] خواهد بود...». در وقفنامه حاجی میرزا محمد وی خودش را مادام العمر متولی قرار داده است و بعد از خود هم تولیت را به «فرزند اکبر و ارشد و اصلح از اولاد ذکور صلی خود» داده و تاکید داشته که در صورتی که در نسل‌های بعد از اولاد ذکور کسی نباشد که قابل تولیت باشد «اکبر و ارشد و اصلح اهل مزرعه پایهان» به این سمت برگزیده شود. بعضی اوقات هم از متولی با القاب و عناوین بسیار تعریف و تمجید شده است چنانکه در موقوفه میرزا محمد ولی آمده است؛ «تولیت موقوفه مزبوره متعلق است به فرزند ذکور اکبر واقفه معظمه اعنی عالی حضرت متعالی منزلت عین الانسان و انسان العین میرزا محمد حسین زید عزه ...» در وقفنامه قدیمی حاج میرقاسم عرب مربوط به عهد صفوی، وی از متولی فقط با عبارت «اکبر و ارشد اولاد» یاد نموده است. درباره

۱ آیا واقف فرزندی نداشته و یا این که به خواهرزاده‌اش اعتماد بیشتری داشته است؟

متولی وقفنامه میر علی تقی در متن وقفنامه مذکور آمده است؛ «تولیت ملک و میاه و اشجار مادام الحیات به ملا حسین منصور زهانی واگذار شد و بعد از حیات مشار الیه متولی پیش‌نماز مسجد جامع قریه زهان و مدرسه مزبور که به قرار نوشته منظور داشته خلاف ننمایند». از حق التولیه متولیان هم دست کم در برخی وقفنامه‌های زهانی سخن به میان آمده است و دست کم در چهار مورد تصریح شده است که حق التولیه عشر درآمد موقوفه است. در یک مورد واقف تاکید دارد که از درآمد موقوفه به متولی سالانه چهار من روغن بدهند و در موارد بیشتری تاکید بر این است که حق متولی پرداخت شود و سپس درآمدهای موقوفه به مصارف مدنظر واقف برسد هر چند از میزان حق التولیه و چگونگی محاسبه آن صحبتی نشده است و احتمالاً عرف مرسوم حق التولیه مدنظر واقفان بوده است. غیر از حق متولیان در متن برخی از موقوفه‌ها از جمله یک موقوفه زمان شاه سلطان حسین و یک موقوفه در عهد فتحعلیشاه و یک موقوفه در زمان احمدشاه از کسر اخراجات دیوانی از موقوفه هم صحبت شده است. در موقوفه‌ای قدیمی که در عهد ناصری بازخوانی شده هم آمده است؛ «...مال الاجاره پس از وضع دیوانی، دو خروار...» در متن موقوفه میر قاسم عرب مربوط به عهد شاه سلطان حسین صفوی چنین آمده است؛ «... بعد از وضع اخراجات ملکی مملکتی و حق التولیه از تمام منافع و مستوفات و در تمام طبقات عشر است و ملک مزبور به تصرف وقف داده شد...» بنظر می‌رسد مبلغی در آن سالها باید به دیوانسالاران حکومتی به نام خراج پرداخت می‌شده است. در موقوفه آقامیررجب الحسینی مربوط به عهد فتحعلیشاه این عبارت دیده می‌شود؛ «... منافع املاک مزبور را همه ساله بعد از وضع اخراجات دیوانی آن چه باشد به مصارف خیر...» در وقفنامه حاج میرزا محمد مربوط به عهد احمدشاه قاجار آمده است؛ «... توضیحاً آن که اگر از محصول منافع موقوفه مرقومه چیزی مصارف لازمه و اخراجات دیوانی و مقدار آرد که باید نان شود زیاد کرد. در مصارف لوازم طبخ نان هم صرف شود...».

۸_ نکته‌های اجتماعی و اقتصادی در وقفنامه‌های زهان

واحد اندازه‌گیری متعددی در متن وقفنامه‌های زهان مورد استفاده قرار گرفته است. در یکی از وقفنامه‌ها که سخن از توزیع نان در بین عزاداران حسینی شده واقف تاکید دارد که؛ «... هر گرده نانی معادل ده استار بوده باشد...» واحد وزن مورد استفاده در همه وقفنامه‌ها «من زهان» است و یک جا از آن به «من سنگ ده» تعبیر شده است. همچنین همه جا برای تعیین مساحت زمینهای وقفی از اصطلاح «من» و نه «متر» استفاده شده است. در آن دوران هنوز استفاده از واحد اندازه‌گیری متر مرسوم نبوده هر چند الان هم هنوز بیشتر باغها و املاک کشاورزی در زهان با واحد «من» معامله می‌شود. برای سنجش مقدار آب مورد وقف از اصطلاح طاقه، سرقه و فنجان استفاده شده که هنوز هم در معاملات آب در منطقه زهان مرسوم است و در کنار استفاده از اصطلاح‌های فوق از اصطلاح «تاس» هم استفاده می‌شود. نام برخی مزارع و روستاهای اطراف زهان کمی متفاوت ثبت شده است. در یکی از وقفنامه‌ها سخن از مزرعه سرداب شده است که باید روستای سردوان فعلی باشد و از روستای فعلی زردان به نام مزرعه زوردان یاد شده است. آبادی آغاز^۱ با نام قریه آقاز از توابع زهان ذکر شده است. برخی مزارع

۱ آبادی آغاز از دوران کودکی من مسکونی نبوده و فقط یک مزرعه کشاورزی بوده است ولی خرابه‌های خانه‌های قدیمی و قلعه آن نشانگر آن است که در قدیم مسکونی بوده است.

هم در بعضی وقفنامه‌ها نام برده شده که امروزه در بخش زهان نیست و یا این که به مرور زمان نامش عوض شده است. برخی اصطلاحات محلی برای بخش‌هایی از باغها و مزارع هم در متن وقفنامه‌ها استفاده شده است مثلاً اصطلاح «چاره» که هنوز هم در بین کشاورزان زهانی کاربرد دارد. اصطلاح «طاحونه» دست کم در پنج مورد برای آسیاب‌های آبی به کار رفته است. تواریخ مورد استفاده همه جا تاریخ‌های قمری و با ذکر نام ماه و روز آن است. با وجود این دو مورد استفاده از نام ترکی ماه هم در متن وقفنامه‌ها در کنار تاریخ قمری آمده است. در وقفنامه میرزا محمد ولی آمده است: «...به تاریخ ربیع المولود موافق توشقان خیریت دلیل سنه ۱۳۲۱ از هجرت نبویه مصطفویه صلی الله علیه و آله...». در ابتدای وقفنامه مدرسه علمیه زهان که بر اساس برخی موقوفه‌های قدیمی در سال ۱۳۰۶ ه.ق و در عهد ناصرالدین شاه قاجار تنظیم شده است، چنین آمده است: «...چون در هذه السنه سچقان ئیل ترکی، خجسته تحویل حسب الامر قدر قدرت سرکار شریعت مدار نور حدقه مصطفویه و نور حدیقه مرتضویه...» استفاده از نام‌های ترکی ماهها در سلسله‌های صفوی تا قاجار و حتی قبل از صفویان در برخی متون مرسوم بوده است. هم خاندان صفویان و هم خاندان قاجار ترک بوده‌اند.

۹- بحث و فرجام

وقفنامه‌های زهان مربوط به دوره‌های صفوی به بعد می‌باشد و شامل وقف زمین، آب، درختان میوه و مواردی از این قبیل است. انگیزه واقفان بیشتر حس مذهبی و دینی بوده و توجه به فقرا و اطعام عزاداران حسینی و پرداخت مخارج مساجد، حمام، کاروانسرا و غسلخانه مورد توجه آنان بوده است. توجه به مدرسه علمیه و توجه به طلاب آن، همچنین وقف کتاب و استنساخ آن و حتی نگهداری کتب هم مورد توجه واقفان بوده و در وقفنامه‌ها از مصادیقی شمرده شده که درآمد موقوفه‌ها می‌تواند بدان اختصاص یابد. از منظر فرهنگی و اجتماعی متن موقوفه‌های زهان غنیمتی است و برخی اصطلاحات محلی زهانی، واحدهای اندازه‌گیری در زهان، نام املاک و باغها و نامهای رایج در زهان و وضعیت مراسم مذهبی را می‌توان از آن استنباط کرد. نکاتی درباره تاریخچه زهان و آثار تاریخی و زمان ساخت آثار را نیز می‌توان از متن موقوفه‌ها فهمید. زبان موقوفه‌های زهانی فارسی و در مواردی دارای نثر مصنوع است هرچند اصطلاحات عربی فراوانی را دارد و در موارد زیادی دارای آیات قرآنی و احادیث نبوی و اشعار فارسی است. در بین واقفان زهانی، می‌توان واقف زن و واقف جوان را هم دید که در نوع خود جالب توجه است.

۱۰- منابع

- حسینی اشکوری، سید جعفر (۱۳۸۳)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه جعفریه. قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- عباسی، علی اکبر (۱۳۹۷) زهان؛ دیار یاقوت سرخ، بیرجند: صبح امروز، چاپ اول
- عباسی، علی اکبر (۱۳۹۵)، «بررسی نسخ خطی مدرسه علمیه جعفری زهان»، دوفصلنامه علمی- تخصصی بساتین، سال سوم، شماره ۵-۶.
- قرآن

- قصابیان، محمد رضا (۱۳۸۵) وقف نامه مدرسه علمیه زهان ، مجموعه رسائل فارسی (دفتر هفتم)، مشهد ، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی ، چاپ اول.
- نصیری، محمد ابراهیم بن زین العابدین (۱۳۷۳). دستور شهریاران ، به تصحیح محمد نادر نصیری مقدم، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات دکتر افشار، چاپ اول
- وقف نامه آقامیر سید رجب الحسینی، به شماره کلاسه ر - ۱۱ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه حاج میرزا محمد، به شماره کلاسه م - ۶۶ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه حاج میرقاسم عرب، به شماره کلاسه م - ۱۳۳ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه حاجی محمد نصیر ، به شماره کلاسه ح - ۵۸ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه رضا ابن حسن خان، به شماره کلاسه ر - ۱۸ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه زوجه ملایوسف، به شماره کلاسه ز - ۲۷ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه کربلایی محمدعلی، به شماره کلاسه م - ۱۶۱ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه محمد سلطان، به شماره کلاسه م - ۱۳۳ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه میرزا تقی خان، به شماره کلاسه ت - ۲ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه میرزا محمد ولی، به شماره کلاسه م - ۷۲ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین
- وقف نامه میرعلی تقی، به شماره کلاسه م - ۱۵۲ در اداره اوقاف و امور خیریه قاین